



سبکی تحمل‌ناپذیر زنانگی

ناصر فکوهی

fakouhi@yahoo.com



پرسش از فرهنگ

حرکت مطالباتی زنان در امواج بی‌دری از نیمه قرن ۱۹ تا امروز تداوم داشته است و هرچند نمی‌توان این حرکت را بدون پیشینه تاریخی از جمله در قرون وسطی و فرآیندهای موسوم به «شکار جادوگران» و مسائل گوناگون مربوط به آن دانست که در جایی دیگر به آن خواهیم پرداخت، اما در دوران جدید عمدتاً در چند مرحله خود را بروز داده‌اند که پسافمینسم را در رابطه با آنها می‌توان درک کرد. از نیمه قرن نوزدهم تا ابتدای قرن بیستم، مطالبات زنان عمدتاً اقتصادی و برای برابری حقوق کار و دستمزد در بازار صنعتی بود که پس از انقلاب فناوریانه این قرن، زنان را به صورت گسترده وارد کارخانجات کرده بود، اما به آنوقت، جنگ جهانی دوم، حضور گسترده زنان در نظام‌های دانشگاهی سیاسی نیز به خواسته‌های پیشین آنها افزوده شد. پس از استقلال ایران (۱۳۰۲)، جنبش زنان به رهبری دکتریهامدانی، آمریکا، به مطالبات دیگری دامن زد؛ زنان تحصیلاته این بار خواهان آن بودند که در حوزه اجتماعی و بازار کار از «برابری کامل» با مردان برخوردار باشند و بتوانند به‌رمغ موقعیت زنانه خود، در بالاترین جایگاه‌های اجتماعی حضور داشته باشند. به این ترتیب حرکت فمینیستی دهه‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ با چهره‌های برجسته‌ای چون سیمون دوبوار در فرانسه و بتی فریدمن در آمریکا با جدا کردن مفهوم جنس بیولوژیک (زن‌بودگی) از مفهوم جنس اجتماعی (زنانگی)، اصل را در حوزه اجتماعی قرار داده و زنانگی را به مثابه یک ساخته تصنعی در جامعه‌ای مردسالار نقلی کردند که باید با آن مبارزه کرد و کنارش گذاشت. اما امواج جدید و بی‌دری‌ای که پس از دهه ۱۹۶۰ تا امروز به ویژه در حوزه دانشگاهی به وجود آمدند، باز هم مجموعه بزرگ دیگری از نظرات را مطرح کردند که فمینیسم کلاسیک را پشت سر گذاشته و به گونه‌های مختلف آن را نقد و تکمیل می‌کردند. چهره بارز این جریان حرکات را می‌توان در نظریه‌پردازی چون لیلابلوندو انسان‌شناس آمریکایی فلسطینی‌تبار مشاهده کرد که مساله حجاب را در قالب شکلی از اجتماعی‌شدن زنان در جوامع اسلامی مطرح می‌کند که به زنان امکان و آزادی بیشتری برای حضور در ساختارهای مردانه می‌دهد و نه مانعی برای این حضور. نظریه بلوندو بعدها خود را به صورت انتخاب آزاد حجاب به مثابه یک موفقه هوبتی، در میان مسلمانان کشورهای اروپایی و امریکا نشان داد. در تقارنی کاملاً متضاد با این امر نیز ما شاهد آن بودیم که گروه بزرگی از زنان در بسیاری از جوامع حتی در پیشرفته‌ترین آنها به شیوه‌هایی در سبک زندگی خود می‌پرداختند که فمینیسم کلاسیک به شدت آنها را تحقیر می‌کرد؛ از مسابقات زیبایی تا مسابقات فاندگی آن هم برای گروهی از زنان تحصیل‌کرده که کاملاً از ریشه‌های فمینیستی آگاه اما با آنها مخالف بودند و برعکس زنانگی خود را به مثابه یک تفاوت در آن واحد طبیعی و فرهنگی مطرح می‌کردند. در این میان، رویکرد فلسفی‌سا بهره‌گیری از نظرات فرکو، در دریدا، فراتر رفتن از مفهوم «برابری» را پیشنهاد می‌کرد، به گونه‌ای که تقابل را نه فقط در بیولوژی و روابط اجتماعی بلکه در ساختاری‌های اندیشه از جمله در زبان نیز می‌دید. نظریه‌ای که روانشناسان و زبان‌شناسان نیز از چامسکی گرفته تا برخی از روانشناسان جوان نظیر سوزان سینگر بر آن تاکید داشتند که تفاوت را نباید لزوماً ناشی از تاثیر مناسبات ژئومونیک سلطه مردانه دید، بلکه این امر این می‌تواند به ساختارهای متفاوت در حوزه بیولوژیک و ترکیب آنها با فرهنگ در یک جامعه باشد. متفاوت در سبک زندگی برای زنان نیز مربوط باشد، مثلاً زنانی که خودخواسته و بدون آنکه این امر را یک «مبارک» تلقی کنند، ترجیح می‌دهند بیشتر وقتشان را به کودکان و همسر و خانواده یا جنبه‌های دیگری از زندگی خود اختصاص دهند تا به کار حرفه‌ای خود. روانشناسان برجسته دیگری نیز همچون سیمون بارون کوهن (دانشگاه کمبریج) و سارا بلافر هردی (دانشگاه هاروارد) بر تفاوت‌های اساسی میان نوزادان کودک دختر و پسر و همچنین افراد بالغ در زمینه‌هایی چون همدلی و دلسوزی و با نسبت به میزان توانایی تشخیص احساسات و عاطفه دیگران، بر اساس تجارب آزمایشگاهی تاکید می‌کردند. اما گرایش سومی نیز وجود دارد که موسوم به «تفاوت‌گرایان» است و در امریکا گاه از آن با عنوان فمینیسم فرانسوی نام برده می‌شود. این گرایش با حرکت از مطالعات روانکوان و منتقدانی چون ژولیا کریستوا، روانکاوی را رویکرد غربی و مردانه و به تحمیل‌شده به جهان تلقی می‌کند و بر تقابل ساختارهای روانی زنان و مردان به صورت ریشه‌ای تاکید دارد. سرانجام می‌توان به چهره‌هایی جدیدتر با اندیشه‌هایی خاص نیز اشاره کرد، افراد تاثیرگذاری همچون فیلسوف آمریکایی جودیت باتلر و مفهوم معروف او با عنوان «خلاف جریان» که با فراتر رفتن کنونی در حوزه روابط بین جنسیتی از یک‌جانبه متعارف و رسیدن به اشکال مبهم، نامتعارف و متنوعی از این روابط، به مثابه واقعیت‌هایی بوده‌ه‌شده به گوناگون اجتماعی معاصر در برخی از کشورها سخن می‌گوید. با داده‌هاوارو که در کتاب معروف خود «مانیفست سایبر» (که به فارسی نیز ترجمه و منتشر شده است) از حرکت در جهان معاصر به سوی ایجاد (شاید در چشم‌اندازی نه چندان جالب تصور) هویت‌های «ترکیبی»(اسنن/ماشین) با هویت‌های قبلی مبهم، یا ترکیبی با یا انتطاف‌هایی زیاد سخن می‌گوید. آنچه در این میان قابل تامل است این است که به‌رمغ اشکال «حاشیه‌ای» که تعداد آنها هر روز بیشتر می‌شود، ما ظاهراً به صورت دائم در حال مشاهده بارزگشت به اشکال «متن» یا «متعارف» هستیم. این امر در ساختارهای خویشاوندی، بر مثال از اشکال ازدواج و خانواده گرفته تا توزیع جغرافیایی روابط اجتماعی، باورهای متفاوتی و معنوت‌گرایی‌های جدید مشاهده می‌شوند. پرسش اکنون این است که چنین «بارگشتی» به «متن» یا به همان صورت که خود مطرح می‌کند، واقعیت دارد یا یک شکل جدید و پسامدرن ایدئولوژیک، یک ساخته رسانه‌ای، دستکاری‌شده، دستکاری‌کننده و خوددستسازکنی‌کننده در کنشگر اجتماعی و گروه‌های اجتماعی است؟ دیگر آنکه در چنین اشکالی از گذار مجدد به «متن» نقش هژمونی‌های قدرت و نظم‌دهنده یا آنچه پوردیو ساختارهای ساختارمند و ساختارنده می‌نامد و وظیفه‌ای نهاد حفظ جامعه‌بودگی است، چیست و چگونه باید آنها را تحلیل کرد؟

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسوول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان آراژنتین، خیابان زاگوس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف

تلفن: ۸۸۶۵۸۵۷۵ - شماره: ۸۸۶۷۷۶۶۹

توزیع: شرکت ناآوران جهان رسانه ایرسا - تلفن: ۸۸۸۲۳۲۹۰

امور بین: آتلیه و لیتوگرافی: روزنامه شرق

چاپ گلرزی: جاده قدیم کرج، فتح ۱۷، پلاک ۲۹ تلفن ۷- ۶۶۸۲۳۴۶۶

چند پیشنهاد برای چند روز: روز دوم؛ فلسفه

مردی برای تمام فصول

حسن فتحی



کتاب «جهان هولوگرافیک» نوشته مایکل تالیوت که داریوش مهرجویی آن را ترجمه کرده است از کتاب‌هایی بوده که اخیراً خواننده‌ام ولذت بسیار برده‌ام این کتاب نشان می‌دهد یکی از آخرین تحقیقات یک نویسنده غرب که در فیزیک نوین تخصص دارد چه پیوند و نسبت عمیقی با دستاوردهای عرفانی مشرق‌زمین دارد. این نظریه که برخی‌ها می‌پندارند انسان شرقی عمیق‌تر می‌اندیشد و آسان‌تر نازل و سطحی‌تر دیگر نظریه‌ای تاریخ مصرف گذشته است و این کتاب این موضوع را به خوبی نشان می‌دهد. «جهان هولوگرافیک» نشان می‌دهد یافتن معنا برای جهان صرفاً دغدغه شرقی‌ها نیست، اندیشه‌های این نویسنده غربی در بسیاری از فرازها بسیار شبیه مکاتب عرفانی ما همچون کلیت عرفان خراسان و دیگر مکاتب عرفانی خاور دور است. ترجمه ساده، شیوا و روان داریوش مهرجویی لذت خواندن این کتاب را بیشتر می‌کند. مهرجویی هنرمندی است که در رشته‌های مختلف ترجمه، رمان‌نویسی و فیلمسازی کار می‌کند و در همه این‌ها جزء بهترین‌هاست. اما قدرش را نمی‌دانیم، من نمی‌دانم چرا در حق آدم‌های بزرگ چنین می‌کنیم. «نصیرالدین طوسی، فیلسوف گفت‌وگو» نیز عنوان

درددل‌های غیررسمی: درباره تمام کارهای به بن‌بست‌رسیده

کلایه‌ای نیست

شادمهر راستین



یک سال‌ونیم روی یک تئاتر دانشجویی کار می‌کنی، با ۱۵ دانشجوی همراه می‌شوی، مدیران دولتی هنرهای نمایشی در ابتدا مدعی حامی فعالیت‌شما هستند، نمایشت یک «سایکودرام» بادهه» است. نمایشت از آن‌گونه آثار نمایشی است که کمتر در ایران برگزار شده‌است، خاتم نغمه ثمنینی، محمد چرخ‌شیر و... با دیدن نمایش، آن را کاری خوب و جدید می‌خواند، با تالار مولوی قرارداد می‌بندی، مطمئن هستی که هر اتفاقی بیفتد، مدیران از شما حمایت می‌کنند اما سر زبان‌ها رزق قرارداد می‌زنند و هیچ‌کس برایش مهم نیست چه اتفاقی در حال رخ دادن است. به رئیس دانشگاه و معاونت‌های مربوطه نامه‌نگاری می‌کنی، اما پاسخی نمی‌شوی. شنیده می‌شود از مدیران که کاش این نمایش بازیگران حرفه‌ای داشت... و... تو نمی‌دانی این حمایتی که از دانشجویان می‌گویند در کدام زمان اتفاق می‌افتد و از چه کار آدم حمایت می‌کنند. بهاد دولتی به قراردادش متعهد نیست و به‌طور حتم نمی‌دانند چه مسوولیت بزرگی داری در برابر دانشجویانی که بدون هیچ چشم‌داشتی بیش از یک سال با تو کار کردند. چهار سال وقت و انرژی‌ات را بر یک فیلم مستند دربارهٔ حمایت می‌گذاری. نام این مستند بلندت «از خانه شماره سی و هفت» و کارگردانش سام کلاتری و محسن شهرنازدار هستند. به فرانسه، انگلیس، ایتالیا، نروژ، آلمان... سفر می‌کنی، با افرادی مصاحبه می‌کنی که سال‌ها روی‌ریوی هیچ دوربینی ننشسته‌اند. سال‌هاست درباره موضوعی سخن نگفته‌ای، سعی می‌کنی با گردآوری جمع‌آوری هرچه بیشتر مستندات و بررسی تمام ضعف‌هایی که تاکنون آثار مستند درباره هدایت داشته‌اند، در این

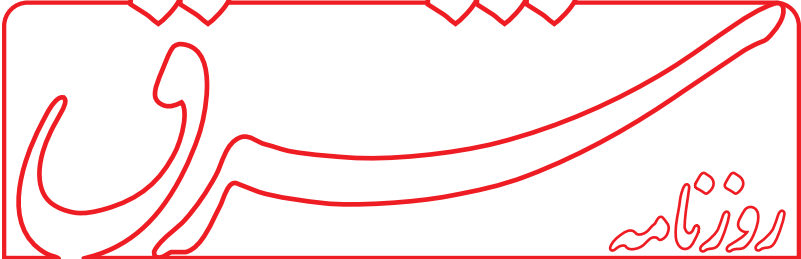
مشق روز: به بهانه تغییر مدیر اداره کل هنرهای نمایشی

تهیه‌کننده‌همه

مهدی میرمحمدی



حسین مسافر آستانه جایگزین حسین پراسایی شد تغییری که شاید اهالی تئاتر از آن راضی باشند. جلسهای که بین هنرمندان تئاتر و معاون هنری وزارت فرهنگ و ارشاد ایران در میان داد هنرمندان این رشته نسبت به تصورات و تعاریف این معاونت نسبت به حوزه تئاتر نگرانند و حالا انتخاب حسین مسافر آستانه که چهره شناخته‌شده‌ای در میان اهالی تئاتر محسوب می‌شود، می‌تواند از نگرانی‌های این بکاهد. مسافر آستانه با وجود آنکه در دورهای مسوولیت واحد نظارت و ارزشیابی را در این اداره بر عهده داشته – واحدی که می‌تواند مناقشه‌برانگیزترین واحد یک اداره هنری باشد – همیشه مدیر مهریان تئاتر محسوب می‌شده‌مدیری که همواره رابطه خوبی با طیف گسترده‌ای از هنرمندان تئاتر با سلیقه‌های فرهنگی متفاوت داشته است اما این‌ها همه مربوط به قبل از مدیریت او بر اداره کل هنرهای نمایشی است. نکته اینجاست که ساختار و تعریف این اداره به گونه‌ای طراحی شده که جز در شرایط خاص تاریخی خوششان آمدن و خوشام رفتن کار بسیار دشواری نشان می‌دهد. اگر هنوز تئاتری‌ها از دوره مدیریت حسین سلیمی یاد می‌کنند باید شرایط تاریخی‌ای را که او مدیریت این مرکز را بر عهده گرفت در نظر داشت. او اولین مدیر مرکز هنرهای نمایشی بعد از تحولات دوم خرداد محسوب می‌شود. شرایط آن دوران حرکت و پویایی رسانه تئاتر را در پی داشت. از سوی دیگر خود سلیمی هم چندان دلبسته میز مدیریت نبود و خیلی زود از مدیریت مرکز هنرهای نمایشی استعفا داد. او آندقدر روی‌هوش بود که با فروکش کردن هیجان‌ها، کتار کشید. شاید هم دانسته بود که با ساختار این اداره در شرایط معمول تر امکان محبوب بودن و تاثیرگذار بودن وجود ندارد. تفاوت اداره کل هنرهای نمایشی با دیگر اداره‌های معاونت هنری وزارت ارشاد در این است که این اداره به نوعی تهیه‌کننده بخش عمده‌ای از تولیدات تئاتر محسوب می‌شود. این اداره تنها وظایف نظارتی ندارد بلکه وظیفه تهیه‌کنندگی نیز بر عهده همین اداره است. (این درست‌ه که بوجه در



سال پنجم ■ شماره پیاپی ۱۰۳۲ ■ شماره ۱۸ مرداد ۱۳۸۹ ■ ۲۸ شعیان ۱۴۳۱ ■ ۹ آگوست ۲۰۱۰

آخر

دغدغه روشنفکری: از تدریس تا کتابخوانی

سبدی پر از ماه گمشده

قطب‌الدین صادقی



مرکز هنرهای نمایشی از ما خواست شهری را برای کلاس‌های فشرده تابستانی انتخاب کنیم و تکنیک‌های بیان، بدن، سبک نمایش و دستبستی به نقش را به هنرمندان شهرستانی تدریس کنیم. من ارادت زیادی به مردم ایلام دارم. برای همین بعد از اتمام نمایش «سرد و مده‌دا» به اینجا آمدم و مشغول کار با هنرمندان ایلامی شدم. قرار است همین جا یک نمایش را به شکل روزاب کارگردانی کنم. نمایش «سبدی» پر از ماه گمشده» را که به فرهنگ مردمان ایلام نزدیکی جیبی دارد انتخاب کرده‌ام و اکنون مشغول تمرین هستیم. اینجا لذت‌های زیادی نصیب کرده است که می‌توان‌ش اشتراکت در یک مراسم آیینی به نام چمری بود. این مراسم یک نوع عزاداری است که کردهای ایلام در رئای یک بزرگ از دست رفته برگزار می‌کنند؛ یک عزاداری همراه با موسیقی که مردم گل به سر می‌گیرند و اشعاری را زمزمه می‌کنند. شکوه و جلال این مراسم واقعاً تاثیرگذار است.

گروه همسرایان می‌خوانند و حدود ۲۰ هزار نفر در این مراسم شرکت می‌کنند. چمری یکی از مراسم کهن مهری است که واقعاً حیرت‌انگیز است و از اینکه در این مراسم حضور داشتم خوشحالم.

در خلوت و تنهایی خودم هم چند کتاب مطالعه کرده‌ام

مثل کتاب «هویزه» داوود امیریان که به لحاظ تاریخی یک کتاب بارزش تلقی می‌شود اما اطناب کلام دارد.

گاهی یک مطلب را از زبان ۱۰ نفر بیان می‌کند اما شرح وقایع بعضی از صحنه‌ها در این کتاب فوق‌العاده

در گذر زمان: تولد داستین هافمن

آینه‌ای برای مردمان

پایک حمیدیان



خوش به حال سینمایی که داستین هافمن در آن به دنیا می‌آید و می‌شود برایش تولد گرفت. وقتی بچه بود پدرم فیلم «پاپیون» را بارها و بارها تماشا می‌کرد. داخل ماشین هم که می‌نشست این موسیقی فیلم «پاپیون» بود که از ضبط ماشین بخش می‌شد. این وقت نمی‌دانستم «پاپیون» فیلم مهمی است و داستین هافمن برای پدر، اسطوره بازیگری است. او تاثیرات عیب و غریبی روی مخاطبان می‌گذارد.

آمریکایی‌ها به نوع بازی او بازیگری نوستالژیک می‌گویند، چون جنس بازی او از جنس دردها و یأس‌های مردمان است.

داستین هافمن آنقدر برای سینمای آمریکا گران‌بها است که تولدش یکی از باشکوه‌ترین اتفاقات خلقت است. و باز هم بعد از تمام این مسائل به خودت می‌گویی نه می‌شود که این شرایط است فیلم نمی‌سازم، از یک تهیه‌کننده صدا و سیما، کارگاہت زیر سوال می‌رود و از برخی می‌شوی که تفسیر موضوع شما، قبل و بعد از فلان حادثه فرق کرده است. با کارگردانی که ممنوع‌الخروج شده و منتظر داد‌گاہش هست، فیلمنامه‌ای را کار می‌کنی، فیلمساز دیگر می‌گوید تا زمانی که این شرایط است فیلم نمی‌سازم، از یک تهیه‌کننده که فیلم‌های تجاری می‌سازد، می‌گویند بوجه‌های فرهنگی برای به فیلم درآوردن چنین فیلمنامه‌هایی نداریم. و تمام این فیلمنامه‌ها جدا از فیلمنامه‌هایی است که هنوز مجوز گرفت‌اند.

و باز هم بعد از تمام این مسائل به خودت می‌گویی نه می‌شود که این شرایط است فیلم نمی‌سازم، از یک تهیه‌کننده صدا و سیما، کارگاہت زیر سوال می‌رود و از برخی می‌شوی که تفسیر موضوع شما، قبل و بعد از فلان حادثه فرق کرده است. با کارگردانی که ممنوع‌الخروج شده و منتظر داد‌گاہش هست، فیلمنامه‌ای را کار می‌کنی، فیلمساز دیگر می‌گوید تا زمانی که این شرایط است فیلم نمی‌سازم، از یک تهیه‌کننده که فیلم‌های تجاری می‌سازد، می‌گویند بوجه‌های فرهنگی برای به فیلم درآوردن چنین فیلمنامه‌هایی نداریم. و تمام این فیلمنامه‌ها جدا از فیلمنامه‌هایی است که هنوز مجوز گرفت‌اند.

و باز هم بعد از تمام این مسائل به خودت می‌گویی نه می‌شود که این شرایط است فیلم نمی‌سازم، از یک تهیه‌کننده صدا و سیما، کارگاہت زیر سوال می‌رود و از برخی می‌شوی که تفسیر موضوع شما، قبل و بعد از فلان حادثه فرق کرده است. با کارگردانی که ممنوع‌الخروج شده و منتظر داد‌گاہش هست، فیلمنامه‌ای را کار می‌کنی، فیلمساز دیگر می‌گوید تا زمانی که این شرایط است فیلم نمی‌سازم، از یک تهیه‌کننده که فیلم‌های تجاری می‌سازد، می‌گویند بوجه‌های فرهنگی برای به فیلم درآوردن چنین فیلمنامه‌هایی نداریم. و تمام این فیلمنامه‌ها جدا از فیلمنامه‌هایی است که هنوز مجوز گرفت‌اند.

گزارش آخر: فیلمی گمشده از ستاره سینمای جهان

تصاویر شوم اشنایدر پیدا شد

مانی فراهانی



رومی اشنایدر هنرپیشه نامدار آلمانی- فرانسوی در سال ۱۹۶۴ در فیلمی بازی کرد که هرگز به نمایش درنیامد. نسخه بازسازی‌شده این فیلم که «جهنم» نام داشت، توسط سرژ برومربرگ و روکساندرا مدرار، فیلمسازان فرانسوی تهیه شد. فیلم با مونتاژ ۱۴ ساعت از «راش‌ها» و پلان‌های تدارک و تمرین کارهای پشت صحنه فیلم «جهنم» فراهم آمده است.

فیلم تصاویری نیرومند و صحنه‌هایی موثر دارد، اما فاقد صداست. فیلم «جهنم» سرگذشت مردی است که به همسر زیبای خود مشکوک می‌شود و با حسادت بیمارگونه او را تعقیب می‌کند. ایفاگر نقش مرد سرژ ژرمانی بود و نقش زن را رومی اشنایدر ایفا کرده است.

کارگردان فیلم «جهنم» هانری ژوز کلوژ بود؛ کارگردان نام‌ای که «میچاک سینمای فرانسه» لقب گرفته بود؛ فیلمبرداری «جهنم» در اوایل سال ۱۹۶۴ شروع شد، اما فیلم هرگز به پایان نرسید و گفته‌اند که برای دست‌اندر کارانش، «شوم» بوده است. در جریان تولید فیلم سرژ ژرمانی که به افسردگی شدید دچار شده بود، برای درمان روانه بیمارستان شد. دو هفته بعد هانری ژرژ کلوژ کارگردان فیلم، سکنه قلبی کرد و در بیمارستان بستری شد. رومی اشنایدر نیز به دنبال یک شکست عشقی، به افسردگی و اندوه عمیق دچار شد. اما او از سال بعد در فیلم‌های دیگری شرکت کرد و به شهرت بیشتری رسید.

آلبوم جدید رضا یزدانی مجوز گرفت

«رضا یزدانی» خواننده و آهنگساز از انتشار آلبوم جدیدش خبر داد و گفت: «چند روز پیش آلبوم «ساعت ۲۵ شب» مجوز گرفت و ما قصد داریم این آلبوم را بعد از ماه رمضان روانه بازار موسیقی کنیم.» او درمورد این آلبوم گفت: «این آلبوم شامل ۱۱ بخش است که آهنگساز آنها خودم بودم و کار تنظیم را مسعود پایکان بر عهده داشته است. این آلبوم که ساخت آن بیش از یک سال به طول انجامیده فضایی متفاوت دارد. این خواننده توضیح داد: «انتخاب ترانه‌های آلبوم «ساعت ۲۵ شب» بسیار زمان‌بر و چرکه در انتخاب آنها دقت و وسواس خاصی به خرج دادم و موسیقی‌ها نیز در سبک‌های بسیار متنوعی از یکدیگر در قالب پاپ، پاپ‌راک، سافت‌راک، لاتین و... ساخته شده‌اند.»

تهران: آذان ظهر: ۱۲:۱۰ آذان مغرب: ۲۰:۲۰ آذان صبح فردا ۴:۴۵ طلوع آفتاب ۶:۱۹

خبرنگار، خبرنگار نیست

سیدعلی میرفتاح

mirfattah@yahoo.com

کرگدن نامه

حالا دیگر خبرنگارها هم مثل معلم‌ها، کارگران و محیط زیست و دخترکاری، روز دارند و از اینکه مورد تشویق قرار بگیرند و سکه و پارچه چادری و شکلات و لپتاپ و مک‌ک‌هزنه زندگی بگیرند، در پوست خود نمی‌کنند. البته هستند خبرنگاران بی‌اعصابی که اسم این روز و تریک و کادو و پول را که جلوشان بیآوری کهنر می‌زنند و فحش می‌دهند؛ داد و بیداد را می‌اندازند و در وصف ظلمی که مستمرا بر خبرنگاران می‌رود، سخنرانی می‌کنند. من طی این چند روز فهمیدم که مفهوم مصداق خبرنگار، توی ذهن ما و مسوولان و مردم یکی نیست و هر کس که این روز را گرامی می‌دارد، در حقیقت نوعی از خبرنگاری و گزارشگری را و بیشتر دوستان و همراهان خود را گرامی می‌دارد. مثلا در سخنان مسوولان دولتی خبرنگاران، همان گزارشگران تلویزیونی هستند که دنبال هیات دولت را می‌افتند تا در قالب سند خبری، عملکرد دولت، یا سفرهای استانی دولت را پوشش دهند. مردم از خبرنگار تصویر غلطی را در ذهن دارند که به لطف برنامه‌سازان و سریال‌سازان تلویزیون شکل گرفته یعنی یک موجود نسبتاً هیپلی و چرک و چپیل که ما و مردم، روی دوشش می‌اندازد و داوربین دیجیتال توی خیابان راه می‌افتد و مزاحم آسایش و آرامش مردمان می‌شود. این خبرنگار معمولاً در خلال قصه با زن و فامیل زنش دعوا دارد و همین امروز در فرداست که صاحبخانه جل و پلاش را ججمع کند و تسوی خیابان بریزد. با این‌همه اما چنان رسالت خبرنگاری روی دوشش سنگینی می‌کند که دست از سماجت و فعالیت و خبرنگاری برنمی‌دارد. وقتی تلویزیون می‌گوید خبرنگار، منظورشان همان جماعت واحد مرکزی خبر، خاصه برویچه‌های ۲۰/۳۰ است. جدیداً این برویچه‌ها برای آقایان صهیبت، همدیگر را به اسم کوچک صدا می‌کنند و لباس‌های شاد و تی‌شرت‌های رنگ و وارنگ می‌پوشند. اپوزیسیون عصبانی هم اگر قصد کند که روز خبرنگار را گرامی بدارد، همان تعداد فعال سیاسی در غربت را گرامی می‌دارد و غالباً این اقداماتش توام با پیانه و اعلامیه و خط و نشان سیاسی است. خبرنگار از دید مشتریان روزنامه یک مفهوم عام دارد و به هر کس که توی روزنامه کار کند، اطلاق می‌شود یعنی خبرنگار را مترادف ژورنالیسم به کار می‌برند و وقتی چنین روزی فرا می‌رسد، حتی هم روزنامه‌نگاری که می‌شناسند، پیام تبریک می‌فرستند. برای به منی که از همه عالم بی‌خبرترم نیز لطف می‌کنند و چنین روزی را با‌ای‌میل، مسیح ... تبریک می‌گویند. از ایشان بی‌نهایت سیاست‌گزار، اما حقیقت این است که من خبرنگار نیستم. واقعیت این است که روز خبرنگار بیشتر به همان خبرنگاران صدا و سیما مربوط می‌شود، خاصه اینکه شان نزول چنین روزی شهادت یکی از خبرنگاران ایران‌با بوده، اما اگر این وجه تسخیه صرفاً تسخیه جزء به یک بوده باشد، باید بپذیریم خبرنگار به کسان دیگری نیز گفته می‌شود. معطها و کارگران در مناسبت‌های مشابه، دردسرشان کمتر از ماست. لاقال آنها هرچه هستند، هویت‌شان بر کسی پوشیده نیست و بر سر مصداق‌های شغل شریف‌شان کسی دعوا ندارد. معلم، معلم است، اما خبرنگار، خبرنگار نیست. از دید خیلی‌ها که به نظر آنها رومی اشنایدر با نسبت به فرانسه به شهرت و قواره‌اش، سنگگیری و مشتقی که او جلوی دوربین و برای بازی در یک نقش می‌برد از او بازیگری متفاوت ساخته است. من از همین راه دور به این بازیگر بزرگ می‌گویم: «استاد تولدتان مبارک»

سکانس آخر

احمدی‌نژاد و افتخاری در آغوش هم

علیرضا افتخاری دیروز در مراسم بزرگداشت روز خبرنگار که در مرکز همایش‌های صدا و سیما و با حضور برخی اصحاب رسانه برگزار شد، به گرمی رئیس‌جمهور را در آغوش کشید و گفت: آقای رئیس‌جمهور دوست دارم.

شورای پروانه ساخت و نمایش پاپر جاست

روابط عمومی معاونت امور سینمایی نسبت به سخنان محسن اکبری در برنامه سینمایی هفت تاکید کرد: تا زمانی که این راه‌حل عملی نشده است، شورای پروانه ساخت و نمایش به قوت خود باقی است.

هنر و اندیشه به استقبال افشین علاء

بزرگداشت افشین علاء شاعر معاصر با حضور جمعی از شاعران و هنرمندان کشور چهارشنبه ۱۳ مرداد در موسسه هنر واندیشه برگزار می‌شود.فلمه ارکمی مدیر عامل انجمن شاعران ایران با بیان این خبر گفت:شعرافی افشین علاء از شاعران خوب معاصر کشور ما از لطافت و تاثیرگذاری بسیاری برخوردار است و با حضور جمعی از شاعران و هنرمندان کشور چهارشنبه ۱۳ مرداد در موسسه هنر واندیشه برگزار می‌شود.فلمه ارکمی مدیر عامل انجمن شاعران ایران با بیان این خبر گفت:شعرافی افشین علاء از شاعران خوب معاصر کشور ما از لطافت و تاثیرگذاری بسیاری برخوردار است. او در ادامه افزود:شاعر علاء برای تمام ارزشمند شعر امروز به شهرت می‌آید. ارکمی در خصوص آثار بزرگداشت شاعران معاصر اظهار داشت:بزرگداشت شاعرانی چون علاء حرمت به چند دهه تلاش شاعرانه و کهنپژ است که هم به لحاظ هنری و هم از نظر اخلاقی و انسانی به عنوان نمونه‌های گرانگشت شعر امروز محسوب می‌شوند.